



به نام خداوند جان و خرد  
خداوند نام و خداوند جای  
کزین برتر اندیشه بر نگذرد  
خداوند روزی ده رهنمای

## در اندیشه معماری نقشه راه

به نام و یاد معمار هستی آغاز می کنیم و از او مدد می جوئیم و در اندیشه نقشه راه تقرب به حقیقت و کمال سعی می کنیم تا معانی اسما و صفات را در کالبد جمالی و جلالی دریابیم و در معرفت به معماری عالم کبیر و صغیر در حد توان خود بکوشیم تا برای نحوه فضای زیست راهی مطلوب و متعالی جستجو کنیم. تلاش مجله اندیشه معماری، نشر اندیشه هایی است که بتواند حقایقی را از دیدگاه اندیشمندان و فرهیختگان درخصوص معماری به معنای اعم و اخص آن عرضه و همه صاحب نظران را در میدان تفکر و اندیشه به تبادل نظر دعوت نماید تا از تضارب افکار، به تراویدن صواب متجلی گردد؛ چراکه به حق معتقدیم:

توانا بود هر که دانا بود  
ز دانش دل پیر برنا بود (فردوسی)

معماری به معنای اعم خود، مفهومی گسترده دارد و کل فضای زندگی انسان را در قلمرو زمینی و آسمانی پوشش می دهد. معمار، عمران، تعمیر، معمور، معمّر، مُعمِر، عَمَار، عَمیر، عِمارة، استعمار از ریشه «عَمَرَ» به معنی دیرماندن و زیستن است. معمار، صیغه مبالغه است؛ یعنی بسیار عمارت کننده و به معنی ساختن، آباد کردن، آنچه باعث آبادانی باشد، نقیض الخراب. معمار به معنای اخص، طراح و ساماندهنده فضای زیست انسانهاست و معماری دانایی و توانایی است که قدرت تجسم و تجسد را به همه مفاهیم زیستی دارد.

در عرصه هستی می توان از سه نوع معمار در ارتباطی طولی یاد کرد:

۱. معمار هستی (خالق) ۲. معمار مخلوق (انسان) ۳. معمار طراح (طراح)

## معمار خلاق

معمار خلاق در رأس هرم خلقت، خالق، صانع و مبدع هر موجودی است و ذات الهی اش مقدس و مبرا از تشبیه، تعطیل و اغراق و تقصیر است. جهان هستی مسخر اوست، لذا خلق خلیفه خود در زمین بستر ظهور و آیینگی این خصایص و فیوضات مستمر اوست:

خلق بی پایان ز یک اندیشه بین  
گشته چون سیلی روانه بر زمین (مولوی)

سر آغاز معماری خلقت با عشق ولایت کمال مطلق به منصف ظهور رسید و معمار خلاق، اسما را به طرح و تصویر کشید تا مخلوقات را مشتاق لقای الهی و کمال حقیقی نماید:

علت عاشق ز علتها جداست  
عشق اسطرلاب اسرار خداست  
اسم هر چیزی تو از دانا شنو  
سر رمز علم الاسماء شنو  
این جهان یک فکرت است از عقل کل  
عقل چون شاه است و صورتها رسل (مولوی)

## معمار مخلوق

اگر در نظر داشته باشیم که اولین آفریده باری تعالی صادر اول عقل یا نور پیامبر اعظم بود که «أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ» و «أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورًا» پس می توان نور و عقل را ظهور دو اسم در یک مسمی دانست، در نتیجه نور و عقل و کلمه در اصل هویتی یکسان دارند:

نی که اول دست یزدان مجید از دو عالم پیشتر عقل آفرید  
از عدم چون عقل زیبا رو نمود خلقتش داد و هزاران عز فرود  
عقل چون از عالم غیبی گشاد رفعت افزود و هزاران نام داد (مولوی)

خاتم رسل، سرآغاز زیباترین تجلی خلقت و هنر متعالی و زیباترین نمونه آفرینش است و همه مخلوقات از آن نور نشأت گرفتند. بنابراین خداوند در انسان کاملی چون حضرت رسول، همه اسما و صفات الهی را به ظهور رساند و حقیقت دین در سرآغاز هستی از طریق انسان کامل ساطع کرد.

**معمار مخلوق جانشین الهی:** معمار هستی، مخلوق را جانشین خود در زمین قرار داد. «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» و این رسالت معماری فضای زیست را در او به ودیعت نهاد. معمار مخلوق، اندیشمندی طراح و سازنده و سامان دهنده محیط زیست و اجتماع، طبیعت و مصنوعات است:

پس خلیفه ساخت صاحب سینه‌ای تا بود شاهش را آینه‌ای (مولوی)

**تولی معمار به اولیای الهی:** نور ولایت، اساس آفرینش جهان گردید و این نور به طور متوالی در پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) - آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و بقیه اولیا جلوه کرده تا دوباره به آخرین تجلی عینی و تاریخی خود؛ یعنی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیده است:

بهر این فرمود پیغمبر که من همچو کشتی‌ام به طوفان زمن  
ما و اصحابم چو آن کشتی نوح هر که دست اندر زند یابد فتوح (مولوی)

تولی هنرمند و معمار به اولیای الهی به عنوان مبنای توسعه و تکامل و رهیدن از طوفانهای ظلمانی، راهی است ستودنی فارغ از رنگ و بوی تعصبات شرقی و غربی؛ چراکه در این باور، کلام اولیا از سنخ نور است «كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ» لذا امر و نهیشان موجب رشد و تعالی است.

هر که خواهد همنشینی با خدا تا نشیند در حضور اولیا  
از حضور اولیا گر بگسلی تو هلاکی زآنک جزو بی کلی  
عقل قربان کن پیش مصطفی حسبی الله گو که الله ام کفی (مولوی)

### ترتیب اندیشه و عمل معمار:

در عرصه زندگی هر عمل و گفتاری اگر فاقد فکر و اندیشه باشد، قرین تباهی است. در آفرینش معماری نیز اگر بر مبنای اندیشه ای مطلوب استوار نباشد، همانند دیواری بی بنیاد است که با لرزشی فروخواهد ریخت و آسیبهای جانی و مالی به ارمغان خواهد آورد:

اول اندیشه و آنگهی گفتار پابست آمده است و پس دیوار (سعدی)

**ملاک صحت اندیشه معمار:** در جهان بینی دینی، نیروی عقلی مقبول است که در مسیر بندگی حق باشد؛ چنانکه در حدیثی قدسی آمده است: «الْعَقْلُ مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَاکْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ» عقل همان است که ما را به عبادت خداوند و دست یافتن به بهشت دعوت می‌کند؛ لذا عقل و اندیشه غیررحمانی، مایه سقوط است و اضمحلال.

عقل و دلها بی گمانی عرشی‌اند	در حجاب از نور عرشی می‌زیند
ما خلقت الجن والانس این بخوان	جز عبادت نیست مقصود جهان
عقل را قربان کن اندر عشق دوست	عقلها باری از آن سوی است کوست (مولوی)

**فاعلیت و قابلیت اندیشه معمار:** عقل به عنوان صادر اول از خالق مطلق دارای دو جنبه فاعلی و قابلی است: جنبه قابلی؛ یعنی پذیرنده نسبت به چیزی و جنبه فاعلی؛ یعنی عمل کننده نسبت به چیزی. و این صفات اثر گذار و اثر پذیر (فاعلیت و قابلیت) به تبع خلق اول به همه موجودات عالم سریان پیدا می‌کند. لذا همه موجودات، خصوصیات قابلی و فاعلی دارند؛ یعنی هر موجودی بر موجودات دیگر اثر می‌گذارد و متقابلاً از اشیا و موجودات دیگر اثر می‌پذیرد:

جهان چون خط و خال و چشم و ابروست	که هر چیزی به جای خویش نیکوست
اگر یک ذره را بر گیری از جای	خلل یابد همه عالم سراپای (شبستری)

**قلمرو اندیشه معمار:** معمار مخلوق در جهان اندیشه و در فضای فکری اش، می‌تواند طرحها و اندیشه های گوناگون را دگرگون کند. در واقع، جهان در ذهن انسان، همانند قدرت لایزال الهی می‌تواند موجودات را هست و نیست نماید. و این شاید نزدیکترین چیزی است که آفریدگار هستی به انسان داده که بتواند به قدرت الهی پی ببرد.

از یک اندیشه که آید در درون	صد جهان گردد به یک دم سرنگون
هر چه اندیشی پذیرای فناست	آن که در اندیشه ناید آن خداست (مولوی)

### معمار طراح

معمار طراح در رسالت خلیفت الهی همانند آفریدگار، خالق افعال و مناظری است که در جهان طبیعت به منصفه ظهور می‌رساند و همچون پروردگار هستی که آفریننده جهان است و میناگرهای هستی را از عدم به منصفه ظهور می‌رساند. معمار طراح بدنبال نظم و ساماندهی و مکانت بخشیدن به فضاست. اندیشه معمار پدیده‌ای است که همه زمینه‌های زندگانی آدمی را می‌پوشاند. فضاها و موجودات مصنوع انسانی، تجسم اعمالی برآمده از اندیشه و تخیل طراحان آن است.

**اختیار معمار:** اختیار معمار حاکم بر انگیزه و عقلانیت است و تجسد معماری در بیرون، تجسم اندیشه و عقلانیت درونی معمار است و عقلانیت نیز حاکمیت بر احساس دارد. معمار شکل‌های عقلانی درونی را کالبد عینی می‌بخشد، بنابراین هنر و معماری، تجسم تخیل و اندیشه است. معمار، سازنده و هستی بخش گوناگونیهای اعمال و رفتارها و دگرگونیهای درون خود و جهان عینی است:

این که گویی این کنم یا آن کنم	خود دلیل اختیار است ای صنم
اختیاری هست ما را بی گمان	حس را منکر نتانی شد عیان (مولوی)

اختیار معمار، قوه ای که حاکم بر همه اندیشه و عمل اوست. با اختیار حُسن یا قُبْح است که به تناسب آن صواب و عقاب داده می‌شود، لذا معمار در عرضه طرحش کاملاً آزاد است؛ گرچه درباره اطلاق یا محدودیت آزادی معمار در اندیشه اتفاق نظر وجود ندارد.

**جهت گیری اندیشه معمار:** اندیشه های معمار یا انسانی است یا شیطانی. به عبارتی، معمار هم می تواند طراح آدمی بنیاد و هم طراح شیطانی نما باشد. از این رو، دو نوع معماری متضاد در بیرون مشاهده می شود. معماری زیبا، نمودی از اندیشه نیکوست و معماری ناخوب و زشت پیکر که نشان از افکار و اندیشه نازیباست:

فکرت بد، ناخنِ پر زهر دان  
می خراشد در تعمق روی جان  
گر گلست اندیشه تو گلشنی  
ور بود خاری تو هیمة گلخنی (مولوی)

طبیعتاً انسان براساس فطرت درونی در برابر زیباییها چه ظاهری و چه معنوی، مجذوب می شود. معمار می تواند با قوه حقیقت جویی و زیبایی شناختی که در فطرتش به ودیعه نهاده شده، به طرحهای بی بدیل دسترسی پیدا بکند و فضای بحرانی بیرونی را که از اندیشه های غلط سرچشمه گرفته، رهایی بخشد.

فکر آن باشد، که بگشاید رهی  
راه آن باشد که پیش آید شهی (مولوی)

**آثار معماری، نمودی از اندیشه:** عقل معمار جلوه ای از حقیقت و اسمای الهی، و تخیل، تفکر و اندیشه نیز شعاعی از نزول و انوار الهی است. تشبیه عالم تخیل به امر آفریدگار خالی از لطف نیست و از دیدگاه ابن عربی، عالم خیال آنچنان قلمروی دارد که حتی شامل عالم عدم نیز می شود؛ یعنی در عالم تخیل می توانید هر بنا و عمارتی را خلق یا معدوم کنید و این توانایی، نزدیکترین تشابهی است که به قدرت گن فیکون معمار هستی پیدا می کند.

بنگر اندر خانه و کاشانه ها  
در مهندس بود چون افسانه ها  
آن فلان خانه که ما دیدیم خوش  
بود موزون صفه و سقف و درش  
از مهندس آن عراض و اندیشه ها  
آلت آورد و ستون از بیشه ها  
چیست اصل و مایه هر پیشه ای  
جز خیال و جز عراض و اندیشه ای؟  
این عرضها از چه زاید از صور  
وین صور هم از چه زاید از فکر (مولوی)

اندیشه و فکر معمار، همانند جسم و جان اوست که ساری و جاری است و در نهایت، تجسم عینی پیدا می کند و محیطی را تحت تأثیر آثار خود قرار می دهد.

میوه ها در فکرِ دل اوّل بود  
در عمل ظاهر به آخر می شود  
ای برادر تو همه اندیشه ای  
مابقی خود استخوان و ریشه ای (مولوی)

توجه به معمار جمیل هستی و استمداد از او و تکرارِ ذکرِ حق و نیک اندیشی در معماری حقیقی؛ یعنی مصنوعات حضرت حق است که الهامات معمار را قوت می بخشد و او را از رخوت و افسردگی رها و آسمانِ هستی او را با ستاره های فکر و اندیشه مزین می سازد:

سینه، صیقلها زده در ذکر و فکر  
تا پذیرد آینه دل، نقش بکر  
ذکر، آرد فکر را در اهتزاز  
خورده حیرت، فکر را و ذکر را  
آینه دل چون شود صافی و پاک  
نقشها بینی برون از آب و خاک  
هم بینی نقش و هم نقاش را  
فرش دولت را و هم فراش را (مولوی)

بنا بر وجود همین نظام احسن خلقت و ظهور آن در مراتب کلمات هستی، رسالت معمار متعهد نیز فضا سازی نیکو است تا مصداق و معیار «خلیفت الهی» و «کل نفس يعمل علی شاکلته» قرار گیرد و در آخرت سربلند برون آید:

ز این خیال آنجا برویاند صور  
در دلش چون در زمین دانه‌ای  
چون زمین که زاید از تخم درون  
روز محشر صورتی خواهد شدن (مولوی)

این خیال اینجا نهان پیدا اثر  
در مهندس بین خیال خانه‌ای  
آن خیال از اندرون آید برون  
هر خیالی کو کند در دل وطن

حسن ذوالفقارزاده - غلامحسین معماریان